

# وطن امروز



کوه‌ها و دشت‌ها را برای پیدا کردن شهادت پیموده‌ام

## واکنش حاج قاسم به شایعات اخیر

صفحه ۲

فرارسیدن اربعین سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام را تسلیت می‌گوییم

سال دولت وملت، همدلی و همزبانی

### تئیه‌های امروز

رقابت میلیونی ایرانیان برای عرض ارادت به آستان حضرت اباعبدالله‌ادامه دارد

## بدرقه ۱/۵ میلیون زائر اربعین



صفحه ۴

## بازتاب گسترده نامه رهبر انقلاب

صفحه ۲

می‌گوید تعیین سیاست‌های برنامه ششم و تقیظ دولت است

## درباره قهر روحانی از مجمع

صفحه ۲

علی لاریجانی:

## پی‌ام‌دی بماند برجام از بین می‌رود

صفحه ۲

### نگاه

## سیب‌زمینی معتدل نوش جان کرم‌های خاکی!

علی بخشایش

هنوز دولت اصلاحات کارش به پایان نرسیده بود که یکی از اصلاح‌طلبان مطرح، کسانی را که از مراجع تقلید تبعیت می‌کنند، به خاطر اصل تقلید - که دارای مبنای علمی و عقلی است - مورد هجمه‌ای شدید قرار داد و داستانی امنیتی برای کشور تولید کرد. حالا دولتی که خود را به اصلاح‌طلبان چسبانده، چنان کورکورانه، غیرعلمی و غیرعقلی در حال تقلید از مدل اقتصاد سرمایه‌داری است که انسان خودبه‌خود فکر می‌کند آن عبادتی است که آن فعال اصلاح‌طلب برای هجمه به مقلدان از مراجع تقلید به ناحق به کار برده، واقعا برای برخی اقتصاددین فعلی برانده است! معروف است که در آمریکا، بعضی برای تنظیم بازار و به هم نخوردن نظم عرضه و تقاضا، مقادیر زیادی گندم به دریا ریخته می‌شود. دوستانی که در هر عرصه و واشنگتن را الگو می‌دانند، این بار برای تنظیم بازار، بلایی مشابه را بر سر ۱۷۰۰ تن سیب‌زمینی آوردند: «سیب‌زمینی‌ها، نوش جان خاک». برای توجیه این فقره تنها کاری که نکرده‌اند استفاده از نی‌نامه مولاناست که «هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش!». سیب‌زمینی از خاک بود و به خاک بازگشت!

برخی مراجع عظام تقلید، این اقدام دولتی‌ها را مصداق اسراف و حرام دانسته‌اند و جدا از آن، اقدام مزبور را ایداع‌گامی غیراخلاقی توصیف کرد. چه بسیار افراد در این مملکت که سر گرسنه بر بالین می‌گذارند و شاید ارزان شدن سیب‌زمینی برای مدتی کوتاه، شکم‌شان را سیر می‌کند. اما از تمام اینها گذشته، سوال اصلی اینجاست: «یا ما انقلاب کردیم که از مدل اقتصاد سرمایه‌داری تبعیت کنیم؟» آنهایی که بهار انقلاب اسلامی را به خاطر می‌آوردند، طبعاً پادشاهان هستند که اساس نظریات اقتصادی انقلابیون، از هر گروه و تفکری، تقابل با «سرمایه‌داری» و «امپریالیسم» بود. وابستگی به آمریکا بشدت تقیح می‌شد و حتی کسانی که بعداً در مقابل انقلاب اسلامی قرار گرفتند، در نظریات اقتصادی خود بشدت به سرمایه‌داری حمله می‌کردند.

امام راحل نیز مدام بر حمایت از مستضعفان تأکید می‌فرمودند و حتی اصرار داشتند در این مسیر حتی اگر کسی به کمونیست بودن متهم شد، نپهراسد.

ادامه در صفحه ۵

## رهبر انقلاب خطاب به زائران اربعین حسینی:

# کاش همراه شما بودیم

صفحه ۲



تکلیف تاریخی

## سکوت جامعه‌شناسان درباره پیاده‌روی عظیم اربعین

آنها را در جایی نمی‌توان جمع کرد، به دنبال همان تمنای فطری به راه و طریق رستگاری است که اینچنین برای جمع شدن و روان شدن در تکاپویند. پیاده‌روی اربعین از آن دست رویدادهایی است که در میان آنانی که مفتخر به محبت ائمه اطهار هستند شور و خروشی برای شرکت در رویداد عظیم اربعین برپاست. این سال‌ها جویبارها در مسیر نجف تا کربلا به هم می‌پیوندند و رودی خروشان می‌سازند که ماندن هر رود دیگری سخاوتمندانه ذرات را همراه می‌کند و بیم‌ها و تردیدها را در هم می‌شکند و در مسیر خویش به پیش می‌برد. ذراتی که اگر رودی نبود آنچنان ریز حل کرده و با هویتی متعالی به پیش می‌بردش. سر خاطرات شیرین پیاده‌روی اربعین آیا چیزی جز همین شیرینی زانداولوف چشیدن مزه بیکران بودن است و آیا فشار و خستگی چند روزی پیاده‌روی و بد گذراندن، در برابر لذت یک لحظه درک فیض الهی، اصلا به حساب می‌آید؟ انسان‌هایی که به هر ترفندی که متوسل شوی بیش از تعداد کمی از

## سکوت جامعه‌شناسان درباره پیاده‌روی عظیم اربعین

بگوییم وقتی انسان مجبور می‌شود، چاره‌ای نخواهد داشت؛ ما هم می‌گوییم کاملا درست است و قاعده است که انسان‌ها عمدا و به دلخواه، خود را در معرض چنین شرایطی نمی‌گذارند یا اگر یکبار نادانسته در شرایط سخت گیر کردند دیگر خود را به آن ورطه نمی‌کشانند. همه اینها درست اما چگونه باید سر و دست شکستن میلیون‌ها نفر برای تجربه مجدد این شرایط سخت را توجیه کرد؟ چگونه می‌شود ماهایی که از ۲۰-۱۰ دقیقه معطلی در ترافیک جانمان به لبمان می‌رسد از ساعات‌ها انتظار تحت فشار برای عبور از مرز چنان خوشحالی‌م که هنوز تمام نشده برای سال بعدش لحظه شماری می‌کنیم؟ چه سری در این میان نهفته است؟ آیا چیزی جز کشش فطرت انسان به سمت راه نجاتی از این ظلمت زندگانی مدرن است؟ در جهانی که آدمی چنان به دنبال گریز از خویش است آیا ممانی جز یقینی آرامش‌بخش آسوده‌اش خواهد کرد؟ این آغوش گرم فیض سیدالشهداست که تشنگان هدایت و جست‌وجوگران راهی از مشقات

## گزارش آمانو و تشتی که از بام افتاد

مختومه شدن برنامه هسته‌ای ایران محلی از اعراب ندارد. اذعان عباس عراقچی به عنوان عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای مبنی بر اینکه اگر پی‌ام‌دی بسته نشود، اجرای برنامه متوقف خواهد شد، با آنکه موضعی بجا و صادقانه از نسوی او بود اما این نوع موضع‌گیری وی، پیامی پنهان را نیز در خود به همراه دارد و آن اینکه؛ عراقچی به عنوان عضو ارشد کشورمان انقلابی‌ترین و محکم‌ترین مواضع را در مذاکرات با تیم غربی اتخاذ می‌کرد. اما امروز در شرایطی شاهد مواضع یک‌طرفه وی در قبال برنامه هسته‌ای کشورمان هستیم که بیش از ۲ سال از مذاکرات ایران و آمریکا می‌گذرد و بین ایران و غرب توافقی به امضا رسیده و در حال حاضر ۲ طرف در شرایط اجرای برجام هستند. افزون بر این، مدتی قبل بود که آمانو از پارچین نیز بازدید کرد و علی‌القاعده دیگر بهانه‌ای برای ادامه مواضع گذشته نیاید وجود داشته باشد اما این رویکرد آژانس در شرایط پسابرجام، بیش از هر چیز بیانگر غیرقابل اعتماد بودن آژانس است و نشان می‌دهد بعد از این همه مذاکرات، برای آژانس به اصطلاح بین‌المللی بازم چیزی جز اجرایی کردن خواسته‌های آمریکا موضوعیت ندارد. در واقع توصیف آمانو از گزارش آژانس نشان‌دهنده این است که برای آژانس و غرب

قیال ایران و بی‌تاثیر بودن مذاکرات ۲ سال گذشته در گزارش جدید آژانس اذعان کرده است اما اینکه دولت یازدهم تا چه میزان حاضر باشد چشم خود را بر واقعیت‌ها باز کند و بازی دوگانه غربی‌ها و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال برنامه هسته‌ای کشورمان را ببیند، مسأله‌ای تعیین‌کننده است. در واقع نوع مواجهه دولت در قبال خصوصت‌های طرف مقابل نسبت به منافع ملت ایران، نشان داده است دولتی‌ها به هر مستمسکی دست می‌زنند تا اقدامات خصمانه طرف مقابل را توجیه کنند و بعید به نظر می‌رسد در این زمینه هم، دولت حاضر باشد موضعی در شأن ملت ایران اتخاذ کند. به‌طوری که پیش‌بینی می‌شود همانگونه که دولت برجام را فارغ از متن تأمل‌برانگیز آن، دست‌آورد ملی عنوان کرد، احتمالا گزارش آژانس را هم فارغ از محتوای آن، به مثابه بسته شدن پی‌ام‌دی عنوان خواهد کرد.

## آگهی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

۲۸۹۴ م.الف

شرح در صفحه ۵

## تکلیف تاریخ

حسین قدیانی

فردا اربعین است و هر اربعین که می‌آید، داغ عاشورا تازه‌تر می‌شود. بنگر به تصاویر زیارت اربعین همین امسال. گو اینکه یک سال به عاشورای ۶۱ قمری نزدیک‌تر شده‌ایم! تو گویی فقط ۴۰ روز از آن یوم‌العیار تاریخ گذشته است! نه اربعین‌ها که فقط یک اربعین! وه که چه نزدیک است حسین علیه‌السلام به ما، به فردا، به تاریخ، به آینده، به ظهور! و من از چشمان زوار کربلا، این مهم را می‌خوانم که از ندای «هل من ناصر» امام عاشورا، تنها و تنها یک اربعین گذشته است! البته که عاشورا مسلط بر زمان است و کربلا تسلط دارد بر زمین. بنگر به اربعین! چیست حرف حساب اربعینیان؟ جز آنکه آمده‌اند به خونخواهی حسین؟ جز آنکه آمده‌اند تا برای فریضه حتمی انتقام اعلام آمادگی کنند؟ جز آنکه آمده‌اند تا در مقام عمل «لبیک یا حسین» بگویند؟ جز آنکه آمده‌اند... و آمده‌اند تا در همان زمین کربلا و در همان زمان عاشورا تکلیف خون خدا را معین کنند؟ جز این بود، کجا اربعین، رنگ و بوی فعلی را به خود می‌گرفت؟ آری! این ارتش ۲۰ میلیونی هم حرف دارد، هم اتفاقا حرفش «حرف حساب» است؛ «باید تاریخ تکلیف ظلم را مشخص کند» مگر چه بود جرم خاتم‌العبا؟! نشان به نشان رستاخیز عظیم اربعین، مسلم است که ما دست از سر تاریخ برخواهیم داشت الا آنکه پاسخ دهد به این سوال.

براستی چه بود گناه دردانه آل‌عبد، خون خدا که آنگونه به شهادت رسید؟ مگر این همان حسین نبود که خداوند به واسطه اشک اولیای دین و پیامبران بر روضه رضوانی‌اش، دعای ایشان را برآورده می‌کرد؟ مگر این همان حسین نبود که چند روز قبل از عاشورا به اصحاب خود دستور داد تا از آب فرات، به انسان و حیوان سیاه دشمن آب بنوشانند؟ مگر این همان حسین نبود که در واقعه عاشورا، اول بار از در نصیحت و پند و اندرز وارد شد؟ مگر این همان حسین نبود که آل‌عبا با صحنه پیامبر بر نام او به پایان رسید؟ اینک تیر سه‌شبهه و گلولی علی‌اصغر او؟! اینک سم اسبان و پیکر قطعه قطعه او؟! اینک اسبیری و شام و زینب او؟! اینک سیلی و صورت سه ساله او؟! البته که باید گریبان تاریخ، دست اربعینیان باشد. این اربعین سالگرد چهلم یک قیام معمولی نیست، بلکه مستند به شور و شکوه بی‌مانندش گویی اربعین دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری است، با همان تاژی داغ! با همان جوشش خون! و اینگونه است که راه قدسی ظهور یعنی راه مقدس انتقام از ظالمان تاریخ هم، تنها از مسیر کربلا می‌گذرد. در سال‌های پیش رو به اربعینی خواهیم رسید که حتی ۴۰ روز هم با عاشورای ۶۱ فاصله ندارد! و آن روز، خود عاشورا است... آن روز، امام عصر، مستظهر به این همه اربعین و به این همه تمرین برای انتقام! انتقام خون خدا را از بطالین عالم خواهد گرفت.

برای آن روز، شیعه باید با شیعه متحد باشد. این وحدت چشم‌نواز و دشمن‌شکن شیعه ایرانی با شیعه عراقی، در همه این راهپیمایی‌های اربعین، ممارستی نیکو و تجربه‌ای گرانسنگ برای آن روز وعده داده شده است. برای آن روز، شیعه باید با دیگر فرق اسلامی متحد باشد؛ مسلمان باید با مومنین به دیگر ادیان الهی، و هر انسان حری با هر آدم آزاده‌ای، برای آن روز، این جغرافیا نیست که میان مردم، ترسیم مرز می‌کند! این نقشه‌ها را «کدخدا» برای دنیا کشیده اما به شهادت کنگره عظیم اربعین، «خون خدا» نقشه‌ای دیگر در سر دارد. برای آن روز، انبای آدم صرف نظر از تکلم به این یا آن زبان، «حسین» را به نیکی می‌شناسند... و به این می‌شناسد که سیدالشهدا هم «قشه راه» است، هم «قشه راهی». «الا ای مهدی زهرا! از این همه میاهو، از این همه عشق، این همه اشک باید هم بوی تو را بشنویم... عاقبت، حج خون هم عرفات خود را پیدا کرد. اربعین، عرفات عاشورا است که در آن خبری از «وقوف» نیست. حرکت باید کرد همه راه را. بی‌وقفه. اختیار این حج، دست خدای قبله است، نه آن «قبیله بدوی». یا بقیه‌الله! اربعین، جز ظهور تو- که در آن انتقام می‌گیری- مقصدی ندارد... دیگر «حسین» را همه می‌شناسند! تو باید مشخص کنی تکلیف تاریخ را.